اخبار

## علت نوسانات قیمت پیاز و گوجه فرنگی در بازار چیست؟



عضو اتحادیه بارفروشان گفت: با توجه به کاهش عرضه و صادرات بی رویه در ماه‌های اخیر، قیمت پیاز و گوجه با نوساناتی روبه‌رو شده است که پیش بینی می‌شود با افزایش عرضه، بازار به تعادل برسد.

باشگاه خبرنگاران جوان؛ جواد اسماعیلی عضو هیئت مدیره اتحادیه بارفروشان گفت: با توجه به کاهش عرضه در برابر تقاضا، قیمت سیب زمینی، پیاز، گوجه فرنگی و خیار افزایشی است.

وی قیمت هر کیلو گوجه فرنگی ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تومان، پیاز ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار تومان و خیار گلخانه ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان اعلام کرد و افزود: با توجه به کاهش عرضه و صادرات بی رویه در ماه های اخیر، قیمت با نوساناتی روبرو شده است که با جلوگیری از صادرات، با برداشت پیاز از جنوب کرمان در ماه آتی جلوی التهاب قیمت گرفته می شود.

جوادی از توزیع روزانه ۲۰ تا ۲۵ هزار تن تمامی اقلام میوه و صیفی در میدان خبر داد و گفت: قیمت کنونی هر کیلو نارنگی برگی ۴۵ تا ۷۰ هزار تومان، نارنگی سورت شده ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان، پرتقال ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار تومان، انار ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان، کیوی ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان، لیموشیرین ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار تومان، گلابی ۲۰۰ تا ۲۸۰ هزار تومان است.

عضو اتحادیه بارفروشان میدان مرکزی گفت: با توجه به شرایط مساعد تولید، نوسانی در بازار میوه نداریم و بازار سیب زمینی، گوجه فرنگی و پیاز با افزایش عرضه و استمرار روند ممنوعیت صادرات به تعادل می رسد.

عضو شورای عالی بورس:

## بورس پس از جنگ بیشترین بازدهی را داشت



عضو شورای عالی بورس در پاسخ به پرسشی درباره تصمیمات احتمالی در خصوص دامنه نوسان نیز اظهار داشت: تصمیمات مختلفی برای شرایط متفاوت در نظر گرفته شده است، اما این موضوع در فضایی مناسب و با تصمیم‌گیری جامع و با در نظر گرفتن منافع همه ملت ایران، به‌تدریج تعیین تکلیف شود.

معصومه آقاپور، عضو شورای عالی بورس، در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا درباره وضعیت بازار سرمایه در پی نگرانی‌ها از افزایش تنش‌ها و احتمال وقوع مجدد جنگ اظهار داشت: شاخص بازار سرمایه روند خود را طی می‌کند و عوامل مختلفی بر آن تأثیرگذار هستند. با این حال، اطمینان داشته باشید که با نظارت دقیق و کاملی که بر بازار اعمال می‌شود، تلاش بر این است که از تکرار اتفاقات ناگوار گذشته جلوگیری شود.

وی با اشاره به عملکرد بازار سرمایه در دوره جنگ افزود: همان‌طور که در دوران جنگ توانستیم مدیریت مناسبی بر بازار داشته باشیم و بازگشایی بازار نیز به‌خوبی انجام شد، پس از آن شاهد شکل‌گیری روند صعودی قابل‌توجهی بودیم؛ به‌طوری‌که بازار سرمایه در مقایسه با سایر بازارها، بیشترین میزان بازدهی را به ثبت رساند. آقاپور با تأکید بر ضرورت تداوم این روند گفت: امیدواریم بازار سرمایه با شیبی ملایم و در سایه نظارت مستمر، مسیر خود را ادامه دهد. البته در صورت بروز هرگونه بحران یا افزایش تنش‌ها، سناریوهای متفاوتی برای مدیریت شرایط پیش‌بینی شده است.

عضو شورای عالی بورس در پاسخ به پرسشی درباره تصمیمات احتمالی در خصوص دامنه نوسان نیز اظهار داشت: تصمیمات مختلفی برای شرایط متفاوت در نظر گرفته شده است، اما این موضوع در فضایی مناسب و با تصمیم‌گیری جامع و با در نظر گرفتن منافع همه ملت ایران، به‌تدریج تعیین تکلیف شود.

دهک‌بندی نیاز اقتصادی خانوارها را مشخص نمی‌کند

# بی‌پول‌ها ساکنان خانه‌های میلیاردی

تورم دارایی‌ها، تفاوت هزینه زندگی و شکاف درآمدی باعث شده قرار گرفتن در یک دهک لزوماً به معنای برخورداری اقتصادی مشابه خانوارهای یک دهک نباشد؛ آیا می‌توان با یک رتبه‌بندی آماری درباره نیاز یا بی‌نیازی میلیون‌ها خانوار تصمیم گرفت؟




**داده‌های رسمی هزینه و درآمد خانوار نیز نشان می‌دهد که بررسی وضعیت اقتصادی جامعه بدون توجه به فشار هزینه‌ها، تصویر کاملی ارائه نمی‌کند**

تصور کنید دو خانوار چهار نفره در تهران زندگی می‌کنند. درآمد ماهانه هر دو ۶۰ میلیون تومان است. خانوار اول صاحب یک آپارتمان است که سال‌ها پیش خریداری کرده و امروز ارزش آن به چند ده میلیارد تومان رسیده است. خانوار دوم مستأجر است و ماهانه بخش قابل‌توجهی از درآمدش را برای اجاره خانه پرداخت می‌کند.

به گزارش اقتصادنیوز، از نظر درآمد اسمی، این دو خانوار تفاوت چندانی ندارند؛ اما از نظر هزینه‌های ضروری و قدرت خرید، شرایط متفاوتی را تجربه می‌کنند. خانوار مستأجر پس از پرداخت اجاره، با منابع مالی کمتری برای تأمین خوراک، درمان، آموزش و سایر نیازهای زندگی مواجه است.

سجاد برخورداری، استاد دانشگاه تهران و اقتصاددان، با بعید دانستن تحقق وعده کاهش تورم در ماه‌های آینده هشدار می‌دهد که تداوم مشکلات تولید، افزایش هزینه‌ها و انتظارات منفی در اقتصاد ایران می‌تواند فشار تورمی را تشدید کند؛ وضعیتی که به گفته او، حتی در صورت ثابت‌ماندن نرخ تورم نیز به کوچک‌ترشدن سفره خانوارها منجر خواهد شد.

حالا فرض کنیم به دلیل تغییرات درآمد یا سایر اطلاعات اقتصادی، یکی از این دو خانوار در دهک هشتم و دیگری در دهک نهم قرار بگیرد. آیا این تفاوت آماری به‌تنهایی می‌تواند نشان دهد کدام خانوار به حمایت دولت نیاز دارد و کدام‌یک ندارد؟

این پرسش به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری حمایتی در اقتصاد ایران برمی‌گردد؛ «دهک‌بندی تا چه اندازه می‌تواند وضعیت واقعی معیشت خانوارها را نشان دهد و آیا اساساً درست است که یک مرز آماری، تعیین‌کننده برخورداری یا محرومیت میلیون‌ها نفر از حمایت‌های عمومی باشد؟»

دهک‌بندی در اصل ابزاری برای مرتب‌سازی جمعیت بر اساس یک شاخص اقتصادی است. جمعیت به ۱۰ گروه تقسیم می‌شود و هر گروه تقریباً ۱۰ درصد از خانوارها را در بر می‌گیرد. اما این تقسیم‌بندی به معنای آن نیست که تمام خانوارهای یک دهک وضعیت اقتصادی مشابهی دارند یا خانوارهای دو دهک مجاور تفاوت معناداری در سطح رفاه دارند.

در واقع، ممکن است فاصله اقتصادی دو خانوار در دو سوی مرز یک دهک بسیار ناچیز باشد، اما پیامد سیاستی قرار گرفتن آنها در دو گروه متفاوت، کاملاً متفاوت شود.

### دهک‌بندی؛ ابزار آماری یا معیار استحقاق حمایت؟

مشکل اصلی دهک‌بندی از جایی آغاز می‌شود که دولت از یک شاخص آماری برای تصمیم‌گیری درباره استحقاق دریافت حمایت استفاده می‌کند. برای مثال، وقتی اعلام می‌شود خانوارهای سه دهک بالای درآمدی از دریافت یارانه حذف می‌شوند، این تصور شکل می‌گیرد که تمام خانوارهای دهک‌های هشتم، نهم و دهم از نظر اقتصادی برخوردارند و در مقابل، خانوارهای دهک‌های پایین‌تر به حمایت نیاز دارند.

اما واقعیت اقتصادی جامعه به این سادگی نیست. دهک، جایگاه نسبی یک خانوار در مقایسه با سایر خانوارها را نشان می‌دهد؛ نه لزوماً میزان رفاه، قدرت خرید یا توانایی آن برای تأمین هزینه‌های زندگی را.

حتی اگر اطلاعات درآمدی و دارایی خانوارها به‌درستی ثبت شده باشد، باز هم نمی‌توان نتیجه گرفت که تمام خانوارهای یک دهک از سطح رفاهی یکسانی برخوردارند.

مشکل دیگر، ماهیت نسبی دهک‌بندی است. در این روش، خانوارها در مقایسه با یکدیگر طبقه‌بندی می‌شوند. بنابراین، قرار گرفتن در دهک بالاتر الزاماً به معنای برخورداری از رفاه کافی نیست. در جامعه‌ای که بخش بزرگی از جمعیت با کاهش قدرت خرید مواجه است، ممکن است خانواری در مقایسه با دیگران در گروه بالاتری قرار بگیرد، اما همچنان برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی با مشکل روبه‌رو باشد. به بیان دیگر، دهک‌بندی می‌تواند بگوید چه کسی نسبت به دیگران وضعیت اقتصادی بهتری دارد، اما به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ دهد که چه کسی دیگر به حمایت اقتصادی نیاز ندارد.

### تورم دارایی‌ها؛ ثروتمند شدن بدون افزایش درآمد

یکی از عواملی که ارزیابی وضعیت اقتصادی خانوارها را پیچیده‌تر می‌کند، تورم دارایی‌هاست.در اقتصاد تورمی ایران، قیمت خانه، زمین، خودرو و طلا طی سال‌های گذشته افزایش قابل‌توجهی داشته است. در نتیجه، ممکن است فردی که چند سال قبل با درآمد متوسط صاحب یک واحد مسکونی شده، امروز مالک دارایی‌ای باشد که ارزش اسمی آن چندین برابر شده است.

اما آیا این فرد به همان نسبت ثروتمندتر شده است؟برای پاسخ باید میان افزایش ارزش اسمی دارایی و افزایش ثروت واقعی تفاوت قائل شد. اگر قیمت خانه یک خانوار سه برابر شود، اما درآمد ماهانه او تغییر چندانی نکند، این افزایش ارزش لزوماً به معنای افزایش قدرت خرید نیست.

حتی در بسیاری از موارد، مالک نمی‌تواند از افزایش ارزش ملک برای تأمین مخارج روزانه استفاده کند؛ زیرا فروش خانه به معنای از دست دادن محل سکونت است و خرید یک واحد مشابه نیز به سرمایه بیشتری نیاز دارد.

این مسئله درباره خودرو نیز وجود دارد. افزایش قیمت خودرویی که سال‌ها پیش خریداری شده، لزوماً درآمد قابل‌مصرف مالک را افزایش نمی‌دهد. در عین حال، هزینه تعمیر، نگهداری، بیمه و جایگزینی آن نیز بیشتر شده است.

بنابراین، اگر سیاست‌گذار افزایش ارزش اسمی دارایی را بدون بررسی درآمد واقعی، بدهی‌ها، نقدشوندگی و هزینه‌های زندگی ملاک برخورداری قرار دهد، ممکن است تصویری بزرگ‌تر از توان اقتصادی خانوار بسازد.

### هزینه زندگی در دهک‌های مختلف یکسان نیست

مشکل دیگر دهک‌بندی، بی‌توجهی احتمالی به تفاوت هزینه زندگی خانوارهاست.دو خانواده ممکن است درآمد یکسانی داشته باشند، اما به دلیل تفاوت در محل سکونت، تعداد اعضا، وضعیت سلامت، هزینه اجاره و مسئولیت نگهداری از افراد وابسته، قدرت خرید کاملاً متفاوتی تجربه کنند.

برای مثال، خانواری که صاحبخانه است، هزینه اجاره ماهانه ندارد؛ اما خانوار مستأجر باید بخشی از درآمد خود را پیش از هر هزینه دیگری صرف مسکن کند.

دولت در بودجه ۱۴۰۵ بیش از هزار و ۲۶۰ همت مصارف برای هدفمندی یارانه‌ها در نظر گرفته و صدها همت نیز به آموزش، سلامت و حمایت اجتماعی اختصاص داده است؛ اما پرسش اصلی این است که این منابع تا چه اندازه به بهبود زندگی مردم تبدیل می‌شوند؟ گزارش تازه یونیسف با بررسی ۵۷ تجربه از کشورهای مختلف نشان می‌دهد گاهی مشکل اقتصاد نه کمبود پول، بلکه شیوه تخصیص، هزینه‌کرد و نظارت بر منابع عمومی است؛ مسئله‌ای که از یارانه‌های انرژی تا بودجه آموزش و سلامت امتداد پیدا می‌کند.

در مثال فرضی دو خانوار با درآمد ۶۰ میلیون تومانی، اگر خانوار مستأجر ماهانه ۲۵ میلیون تومان اجاره و هزینه‌های مرتبط با سکونت بپردازد، تنها ۳۵ میلیون تومان برای سایر مخارج در اختیار دارد. خانوار مالک، با فرض نبود هزینه مشابه، منابع بیشتری برای تأمین سایر نیازهای زندگی خواهد داشت.

البته مالک نیز هزینه تعمیر و نگهداری خانه را پرداخت می‌کند، اما تفاوت اصلی همچنان پابرجاست: درآمد اسمی یکسان، الزاماً به قدرت خرید یکسان منجر نمی‌شود.

این تفاوت در هزینه درمان نیز دیده می‌شود. خانواری که یک عضو بیمار یا دارای معلولیت دارد، ممکن است بخش بزرگی از درآمد خود را صرف درمان کند. در مقابل، خانواری با همان درآمد و تعداد اعضا، چنین هزینه‌ای نداشته باشد.از این منظر، قرار دادن هر دو خانوار در یک دهک و تصمیم‌گیری یکسان درباره حمایت از آنها، لزوماً به معنای اجرای سیاستی عادلانه نیست.

### مرز میان دهک‌ها چقدر واقعی است؟

یکی از مهم‌ترین ایرادهای سیاست‌گذاری مبتنی بر دهک‌بندی، ایجاد مرزهای قطعی میان گروه‌هایی است که در واقعیت اقتصادی پیوستگی دارند. فرض کنیم دو خانوار از نظر درآمد ماهانه فقط چند صد هزار تومان تفاوت دارند. یکی در انتهای دهک هفتم و دیگری در ابتدای دهک هشتم قرار می‌گیرد. اگر سیاست دولت حذف یارانه خانوارهای دهک هشتم به بالا باشد، همین اختلاف کوچک می‌تواند به حذف حمایت از یک خانوار و ادامه پرداخت آن به خانوار دیگر منجر شود. در حالی که از نظر توان اقتصادی، این دو خانواده احتمالاً تفاوت معناداری ندارند. بنابراین، سیاست‌گذار باید به جای تکیه بر مرزهای سخت دهکی، به تغییر تدریجی میزان حمایت متناسب با افزایش توان اقتصادی خانوار فکر کند.

### فشار معیشتی فقط مختص دهک‌های پایین نیست

داده‌های رسمی هزینه و درآمد خانوار نیز نشان می‌دهد که بررسی وضعیت اقتصادی جامعه بدون توجه به فشار هزینه‌ها، تصویر کاملی ارائه نمی‌کند. بر اساس نتایج طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۴، متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری حدود ۳۹۲ میلیون تومان و متوسط درآمد اظهارشده آن حدود ۴۸۵ میلیون تومان بوده است.

در همین سال، هزینه خانوارهای شهری ۴۵.۴ درصد افزایش پیدا کرده، در حالی که رشد درآمد اظهارشده آنها ۴۱.۲ درصد بوده است. به بیان دیگر، سرعت افزایش هزینه‌ها از رشد درآمدها بیشتر بوده است.

این آمار به‌تنهایی نشان نمی‌دهد کدام دهک بیشترین فشار را تحمل کرده است، اما یک مسئله مهم را روشن می‌کند: حتی در سطح میانگین کل خانوارهای شهری نیز افزایش درآمد نتوانسته همگام با رشد هزینه‌ها حرکت کند.

در چنین شرایطی، سیاست‌گذار باید مراقب باشد که رتبه نسبی خانوار را با توان واقعی آن برای تأمین مخارج اشتباه نگیرد. از طرف دیگر، میانگین درآمد و هزینه نیز برای تصمیم‌گیری درباره تک‌تک خانوارها کافی نیست. ممکن است یک خانوار درآمدی بالاتر از میانگین داشته باشد، اما به دلیل اجاره، درمان یا بدهی، با فشار مالی جدی روبه‌رو باشد. به همین دلیل، آمارهای کلان باید در کنار اطلاعات خرد خانوار و شاخص‌های رفاهی مورد استفاده قرار بگیرند.

### جهان چگونه از خطای دهک‌بندی عبور می‌کند؟

چالش شناسایی خانوارهای نیازمند در کشورهای دیگر نیز وجود دارد. با این حال، تجربه سیاست‌های حمایتی در جهان نشان می‌دهد که دولت‌ها لزوماً برای تشخیص استحقاق حمایت، به یک رتبه‌بندی ساده بسنده نمی‌کنند. بانک جهانی در مطالعات خود درباره هدف‌گیری حمایت اجتماعی، از روش‌های مختلفی مانند آزمون وسع، ارزیابی غیرمستقیم وضعیت اقتصادی، شناسایی جغرافیایی و حمایت مبتنی بر گروه‌های آسیب‌پذیر نام می‌برد.

در آزمون وسع، درآمد و وضعیت مالی خانوار بررسی می‌شود. در روش غیرمستقیم، ویژگی‌هایی مانند وضعیت مسکن، اشتغال، ترکیب خانوار و دسترسی به خدمات در ارزیابی وضعیت اقتصادی نقش دارند. همچنین در برخی نظام‌های حمایتی، میزان کمک مالی به‌تدریج و متناسب با افزایش درآمد کاهش پیدا می‌کند؛ نه اینکه با عبور خانوار از یک مرز مشخص، تمام حمایت به‌صورت ناگهانی قطع شود.

البته هیچ‌یک از این روش‌ها بدون خطا نیستند. آزمون وسع ممکن است درآمدهای غیررسمی را به‌درستی شناسایی نکند و روش‌های غیرمستقیم نیز ممکن است وضعیت واقعی برخی خانوارها را نادیده بگیرند. درس اصلی این تجربه‌ها، کنار گذاشتن اطلاعات اقتصادی نیست؛ بلکه استفاده هم‌زمان از چند شاخص و امکان بازبینی تصمیم‌هاست.

### حمایت باید بر اساس قدرت خرید واقعی باشد

اگر هدف دولت از پرداخت یارانه، حمایت از قدرت خرید خانوارهای نیازمند است، معیار اصلی نیز باید به این هدف نزدیک باشد. در چنین مدلی، به‌جای اینکه یک خانوار صرفاً به دلیل قرار گرفتن در دهک هشتم یا نهم از حمایت محروم شود، باید درآمد قابل‌مصرف آن پس از کسر هزینه‌های ضروری بررسی شود.

این ارزیابی می‌تواند چند مؤلفه داشته باشد: درآمد مستمر، تعداد اعضای خانوار، هزینه مسکن، مخارج درمان، بدهی‌های ضروری، دارایی‌های درآمدزا و وضعیت اشتغال.

برای مثال، خانه محل سکونت نباید به همان شکل ملک سرمایه‌ای یا چند واحد اجاره‌ای ارزیابی شود. خودروی مورد استفاده برای رفت‌وآمد یا کسب درآمد نیز نباید الزاماً معادل دارایی لوکس تلقی شود.

از طرف دیگر، لازم است نظام حمایتی در برابر تغییرات اقتصادی انعطاف‌پذیر باشد. خانواری که به دلیل تورم، بیماری، بیکاری یا کاهش درآمد ناگهان با فشار مالی مواجه می‌شود، نباید مجبور باشد تا زمان بازنگری دوره‌ای دهک‌بندی از حمایت محروم بماند.

مهم‌تر از همه، باید امکان اعتراض و بازبینی اطلاعات برای خانوارها وجود داشته باشد. تصمیمی که مستقیماً بر معیشت یک خانواده اثر می‌گذارد، باید قابل توضیح و قابل اصلاح باشد.

### مسئله، حذف چند دهک نیست؛ مسئله عدالت در توزیع حمایت است

دهک‌بندی می‌تواند ابزاری مفید برای تحلیل توزیع درآمد و مقایسه وضعیت اقتصادی گروه‌های مختلف جامعه باشد؛ اما تبدیل آن به یک معیار قطعی برای تعیین استحقاق دریافت حمایت، مسئله‌ای متفاوت است.

وقتی تورم دارایی‌ها را گران‌تر می‌کند، هزینه‌های زندگی با سرعت افزایش می‌یابد و شرایط خانوارها از نظر مسکن، درمان و تعداد اعضا متفاوت است، نمی‌توان انتظار داشت یک رتبه آماری به‌تنهایی تمام این تفاوت‌ها را پوشش دهد. هدف سیاست حمایتی نباید صرفاً کاهش تعداد دریافت‌کنندگان یارانه یا انتقال منابع از یک دهک به دهک دیگر باشد. هدف باید رساندن منابع محدود به خانوارهایی باشد که واقعاً برای تأمین نیازهای ضروری به آن احتیاج دارند.

در نهایت، دهک بالاتر الزاماً به معنای زندگی بهتر نیست؛ همان‌طور که دهک پایین‌تر نیز به‌تنهایی تمام واقعیت فقر را توضیح نمی‌دهد. سیاست‌گذار اگر می‌خواهد حمایت را عادلانه توزیع کند، باید به جای پرسیدن اینکه یک خانوار در کدام دهک قرار دارد، بپرسد پس از پرداخت هزینه‌های ضروری، واقعاً چقدر توان زندگی و مصرف برایش باقی می‌ماند.

اخبار

## اعتراض ۱۴ اقتصاد جهان به تعرفه‌های جدید آمریکا

چین، ژاپن، اتحادیه اروپا و چندین اقتصاد آسیایی به برنامه جدید دولت آمریکا برای افزایش تعرفه‌های وارداتی اعتراض کردند.

به گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، دولت دونالد ترامپ پس از انجام تحقیقاتی تجاری بر اساس ماده ۳۰۱ قانون تجارت آمریکا، پیشنهاد اعمال تعرفه‌های جدید بر واردات از ۱۴ اقتصاد جهان را اعلام کرده است. این اقدامات قرار است از ابتدای سال آینده میلادی اجرایی شوند.

بر اساس پیشنهاد آمریکا، کالاهای وارداتی از چین با تعرفه ۲۰ درصدی مواجه خواهند شد که در صورت عدم همکاری پکن ممکن است به ۴۰ درصد افزایش یابد. تعرفه واردات از ژاپن می‌تواند به ۱۵ درصد، سنگاپور به ۲۰ درصد و ویتنام به ۳۵ درصد برسد. اتحادیه اروپا نیز در معرض تعرفه احتمالی ۱۵ درصدی قرار دارد. چین ادعای آمریکا درباره ظرفیت مازاد تولید را رد کرده و آن را مبنایی نادرست برای اعمال فشار تجاری دانسته است. مقام‌های ژاپنی نیز اعلام کرده‌اند این کشور سیاست‌های غیربازاری یا ظرفیت مازاد ساختاری در بخش تولید ندارد و اعتراض خود را به واشنگتن منتقل کرده‌اند. سنگاپور، مالزی و اتحادیه اروپا نیز با رد اتهام‌های مطرح‌شده از سوی آمریکا، اعلام کرده‌اند سیاست‌های صنعتی آن‌ها موجب اختلال در بازارهای جهانی نشده است. در مقابل، ویتنام از ادامه مذاکرات تجاری با واشنگتن خبر داده و تایلند نیز سطح تعرفه پیشنهادی آمریکا را بهتر از انتظارات اولیه ارزیابی کرده است. برآوردها نشان می‌دهد ۱۴ اقتصادی که در فهرست جدید آمریکا قرار گرفته‌اند، در مجموع حدود نیمی از اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهند. استیون براون، اقتصاددان ارشد مؤسسه کپیتال اکونومیکس، معتقد است تعرفه‌های جدید تا حد زیادی جایگزین برخی تعرفه‌های پیشین می‌شوند و لزوما به معنای اضافه شدن کامل آن‌ها به هزینه‌های قبلی نیستند؛ با این حال، این اقدامات می‌توانند قیمت کالاها را افزایش دهند و تورم کالاهای اساسی را در سال آینده میلادی در سطح بالاتری نگه دارند. تشدید اختلافات تجاری میان آمریکا و شرکای اقتصادی آن در شرایطی رخ می‌دهد که زنجیره‌های تأمین جهانی همچنان با نااطمینانی‌های ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی و تغییر سیاست‌های تجاری دولت‌ها مواجه‌اند.

## قیمت نفت در آستانه شکستن طلسم هفتگی



قیمت هر بشکه نفت خام در معاملات روز جمعه تحت تاثیر تجدید نگرانی‌ها نسبت به وضعیت عرضه، اندکی افزایش یافت و در مسیر ثبت نخستین رشد هفتگی پس از سه هفته کاهش متوالی قرار گرفت.

به گزارش ایسنا، قیمت نفت خام برنت با چهار سنت افزایش، به ۹۶ دلار و ۶۱ سنت در هر بشکه رسید. این شاخص روز پنج‌شنبه، حدود ۲ دلار افزایش یافته و در بالاترین سطح خود از ۶ نوامبر بسته شده بود. قیمت معاملات آتی نفت خام «وست تگزاس اینترمدیت» (WTI) آمریکا نیز با ۲ دلار و ۱۰ سنت معادل ۲.۵ درصد افزایش نسبت به قیمت پایانی روز چهارشنبه، به ۸۵ دلار و ۷۸ سنت در هر بشکه رسید. معاملات نفت آمریکا روز پنج‌شنبه به دلیل تعطیلات روز شکرگزاری بدون ثبت قیمت پایانی انجام شد. برایان مارتین و دنیل هاینز، تحلیلگران بانک «ای‌ان‌زد» (ANZ)، در یادداشتی نوشتند: قیمت نفت برنت حتی بدون تشدید بیشتر تنش‌ها در خاورمیانه نیز می‌تواند از مرز ۱۰۰ دلار در هر بشکه عبور کند، اما تحقق این موضوع بیش از پیش به مشاهده شواهدی از محدودیت عرضه واقعی نفت بستگی دارد. قیمت نفت در هفته‌های گذشته به دنبال کاهش نگرانی‌ها نسبت به احتمال اختلال بیشتر در عرضه نفت، روند نزولی یافته بود. «سیم مو سیونگ»، تحلیلگر بانک OCBC، در یادداشتی اعلام کرد: احیای صادرات نفت کشورهای حوزه خلیج فارس و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند در سال ۲۰۲۷ از کاهش قیمت نفت حمایت کند. با این حال، کاهش ذخایر نفتی، تداوم خطرات حمل‌ونقل دریایی و کندی روند تعمیر پالایشگاه‌ها، بازار را همچنان در برابر اختلالات آسیب‌پذیر نگه می‌دارد.

۱۳ میلیارد دلار خارج از چرخه اقتصاد

## بازگشت دلارهای صادراتی نوسانات ارز را مهار می‌کند؟

بازنگشتن ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور همچنان یکی از چالش‌های مهم سیاست‌گذاری ارزی است؛ موضوعی که با توجه به محدودیت منابع ارزی، افزایش تقاضای وارداتی و نوسانات بازار ارز، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

به گزارش ایسنا، بر اساس آمارها از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا کنون حدود ۲۱ تا ۲۳ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد بازنگشته که حدود ۱۳ میلیارد دلار آن شناسایی شده و امکان پیگیری و تعیین تکلیف آن وجود دارد. بازنگشتن ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور همچنان یکی از مسائل مهم در مدیریت بازار ارز است؛ به طوری که بر اساس رقم مطرح شده، حدود ۱۳ میلیارد دلار از ارزهای حاصل از صادرات از سال گذشته تا کنون در انتظار بازگشت به چرخه اقتصادی است. بازگشت این منابع تا پایان سال می‌تواند به افزایش عرضه ارز و بهبود توان تامین نیازهای وارداتی کشور کمک کند. به ویژه در شرایطی که محدودیت‌های ناشی از تحریم، دسترسی به منابع ارزی و نقل و انتقال بین‌المللی پول را با دشواری مواجه کرده است.

بازگشت ارزهای صادراتی می تواند ضمن تقویت منابع ارزی کشور، دست بانک مرکزی را برای تامین ارز واردات و مدیریت نوسانات بازار بازتر کند، موضوعی که در کنار تحریم‌ها، اختلاف نرخ‌های ارزی، دشواری نقل و انتقال پول و جذابیت بازار غیررسمی، به یکی از چالش‌های مهم سیاست ارزی تبدیل شده است.

### بازگشت ۱۳ میلیارد دلار چه اثری بر بازار ارز دارد؟

اهمیت بازگشت این منابع زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم اقتصاد ایران برای تامین مواد اولیه، ماشین آلات، کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی به منابع ارزی مستمر نیاز دارد. در شرایطی که درآمدهای ارزی کشور تحت تأثیر تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری قرار دارد، ارز حاصل از صادرات یکی از مهم ترین منابع قابل اتکا برای تامین این نیازها محسوب می‌شود. در صورت بازگشت ۱۳ میلیارد دلار ارز شناسایی شده، بانک مرکزی می تواند با افزایش منابع در دسترس قدرت بیشتری برای تخصیص ارز به واردکنندگان داشته باشد. این موضوع به ویژه برای بنگاه‌های تولیدی که به واردات مواد اولیه و قطعات وابسته اند اهمیت دارد، چرا که تاخیر در تامین ارز می تواند به کاهش موجودی انبارها، اختلال در تولید و افزایش هزینه تمام شده کالاها منجر شود. از سوی دیگر، افزایش عرضه ارز در بازار رسمی می تواند بخشی از فشار تقاضا را کاهش دهد. هنگامی که واردکنندگان و سایر متقاضیان بتوانند نیاز خود را از مسیرهای رسمی و با دسترسی مناسب تأمین کنند، وابستگی آنها به بازار غیررسمی کمتر می شود. این مسئله در صورت استمرار عرضه می‌تواند به کاهش انتظارات افزایشی و محدودتر شدن دامنه نوسانات بازار ارز کمک کند. البته نباید انتظار داشت بازگشت تمام این منابع به تنهایی به معنای کاهش قطعی نرخ ارز باشد، چرا که نرخ ارز علاوه بر عرضه از عواملی مانند انتظارات تورمی، تقاضای سرمایه ای، سیاست‌های پولی و مالی، درآمدهای نفتی و تحولات سیاسی و بین المللی نیز تاثیر می پذیرد. بر همین اساس تعیین تکلیف و بازگشت ارزهای صادراتی تا پایان سال باید به یکی از محورهای جدی سیاست ارزی تبدیل شود.

### سیاست جدید بانک مرکزی؛ تسهیل به جای فشار

در چنین شرایطی بانک مرکزی در ماه‌های اخیر به سمت اصلاح سازوکار بازگشت ارز حرکت کرده است. یکی از محورهای این تغییر، تسهیل شرایط برای صادرکنندگان خرد و فراهم کردن امکان فروش ارز با نرخ توافقی است، سیاستی که هدف آن افزایش انگیزه صادرکنندگان برای عرضه ارز در بازار رسمی و کاهش فاصله میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده از سیاست جدید ارزی، از اواخر مردادماه امسال امکان فروش اسکناس ارز حاصل از صادرات برای برخی گروه‌های صادرکنندگان خرد در بازار ارز تجاری مرکز مبادله فراهم شده است. به این ترتیب صادرکننده می تواند ارز خود را با نرخ توافقی عرضه کند و از این طریق تعهد ارزی خود را نیز تعیین تکلیف کند.

این رویکرد از آن جهت اهمیت دارد که فشارهای یکسان بر همه صادرکنندگان، بدون توجه به اندازه فعالیت، نوع کالا و دشواری‌های بازگشت ارز می تواند به کاهش صادرات رسمی یا انتقال فعالیت‌ها به مسیرهای غیرشفاف منجر شود. بنابراین تفکیک صادرکنندگان خرد از صادرکنندگان بزرگ و ایجاد مشوق‌های متناسب با شرایط هر گروه می تواند به افزایش بازگشت ارز کمک کند.

### سیاست جدید بانک مرکزی؛ کاهش فشار بر صادرکنندگان خرد

یکی از تغییرات مهم سیاست ارزی در ماه‌های اخیر حرکت به سمت تسهیل بازگشت ارز صادرکنندگان خرد و فراهم کردن امکان فروش ارز با نرخ توافقی بوده است. بانک مرکزی در اصلاحات ارزی سال جاری امکان عرضه اسکناس حاصل از صادرات با نرخ توافقی را برای این گروه فراهم کرد تا فاصله میان نرخ مورد قبول صادرکننده و نرخ بازار کاهش یابد. هدف از این سیاست افزایش انگیزه بازگشت ارز از مسیرهای رسمی و جلوگیری از انتقال معاملات به بازارهای غیررسمی است.



در این چارچوب به جای اعمال فشار یکسان بر تمام صادرکنندگان، تلاش شده است با ایجاد مسیرهای منعطف‌تر، به ویژه برای صادرکنندگان کوچک و فعالان حوزه کشاورزی و تجارت، زمینه ایفای تعهدات ارزی فراهم شود. در مقابل پیگیری تعهدات صادرکنندگان بزرگ و شرکت هایی که حجم قابل توجهی ارز صادراتی در اختیار دارند همچنان از موضوعات مهم سیاست گذاری ارزی است. در نهایت بازگشت ارز صادراتی صرفا یک الزام قانونی برای صادرکنندگان نیست بلکه بخشی از سازوکار تامین مالی تجارت خارجی کشور است.